

باتاییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل ۲۷ متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم

ماده اول - قانون مربوط بشناسائی قیام سی ام تیرماه ۱۳۳۱ بنام قیام مقدس ملی که در جلسه ۱۶ مرداد ماه ۱۳۳۱ بتصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته شود . ماده دوم - هیئت دولت مامور اجرای این قانون است .

ماده واحده

((مجلسین سنا و شورای ملی قیام روز دوشنبه سی تیرماه ۱۳۳۱ را که در سراسر کشور برای پشتیبانی از نهضت ملی ایران انجام پذیرفت قیام مقدس ملی شناخته و شهدای آن را بعنوان شهدای ملی مینامند))

پس از انقلاب پرافتخار مشروطیت ایران که بقصد واژگون ساختن کاخ شوم استبداد و خودکامگی بوجود آمد و علی رغم تمام تلاشهای مذبحانند زخیمان استبداد پیروزی ملت ایران انجامید هر چند ظاهراً بساط استمگر و خودکامگی برچیده شد ولی اصل تسلط ملت بر سرنوشت کشور و حکومت مردم بر مردم که هدف و علت غائی انقلاب بود چنانکه باید عملی نگردد . از یکسو اعمال واقعی استبداد از بی اطلاعی و گذشت ملت سو استفاده کرد مقامات حساس و مونس را اشغال کردند و از سوی دیگر سیاستهای استعماری بیگانه در سایه اوضاع آشفته بعد از جنگ بین المللی اول وضعی که در اثر مداخلات ناروای آنها بر دستگاه حکومتی وقت ایران مستولی شده بود برای تامین بیشتر منافع خود حکومت دیکتاتوری بیست ساله را پی ریزی کرد و بوجود آوردند و در نتیجه اصول مشروطیت و قوانین اساسی که خونبهای انقلاب بود وجود خارجی نداشتند و از شدت اختناق هیچگونه اظهار عقیده ای ولود ر چهارچوب قانون اساسی برآ حدی ممکن نبود تا آنجا که حتی کسانی که سمانخست وزیر و وزیر نماینده پارلمان بودند جرأت اظهار عقیده و نظر در مسائل مملکتی نداشتند و عملاً مردم بی اعتنائی میشد و قدرت حکومت که حقاً و بموجب قانون اساسی میبایستی مجری منویات ملت و پیر و افکار عمومی باشد عموداً رجعت منافع خاصه هیئت حاکمه و استحکام بخشیدن بر رژیم تحمیلی و تخریب اساس مکرر اساسی و مشروطیت که خود ظاهر آمدنی حفظ و اجرا آن بود بکار افتاد . از طرفی دولت‌های پویشالی وقت برد ستگاه انتظامی و ارتش مسلط نبودند و در عمل قوای در داخل دولت مرکزی بوجود آمد و حکومت میکرد که نتیجه کارشان تضعیف نیروهای ملی و تقویت مرجعان و فئودالهای قدیم و تازه بدوران رسید و بود و مجلس هائی که تشکیل می یافت و باطمینان و تشریفات پر سروصد افتتاح میشد مبتنی بر انتخابات آزاد و قانونی نبودند و بوظایف قانونی خود عمل نمیکردند و قادر هم بر انجام وظیفه نبودند و بالنتیجه تأثیری در جریان امور نداشتند و بهیچوجه نمیتوانستند از وخامت اوضاع کشور (اگر درک میکردند) بکاهند بلکه خود اسیر قید دیکتاتوری بودند و کاملاً بساز آن میرقصیدند زیرا چنانکه گفته شد با رای مردم انتخاب نشده و از پشتیبانی ملت برخوردار نبودند . از طرف دیگر بیگانگان از این عدم امکان مدخله ملت در سرنوشت خود و تنزل دستگاه حکومت و استقلال کشور که بد سیمه خود آنها فراهم شده بود برفوق میل خود شان بهره برداری کرده تسلط اقتصاد و سیاسی خود را همچنان توسعه میدادند و اگر احیاناً دولتی هم حسن نیت میداشت هرگز قادر نبود که سیاست مستقل ملی را اعمال کند تا شهریور ۱۳۲۰ و روسوائی آن پیش آمد و رخنه و نفوذ بیگانگان آشکارا در تمام شئون اداری و اقتصاد و سیاسی مملکت روز افزون گردید تا آنجا که ملت ایران که از روش حکومتی مستبد و استمگر بجان آمد و کاسه صبرش پرریز شده بود برهبری پیشوای عالیقدر خود دکتر محمد مصدق بعزم اعاد حقوق از دست رفته نهضت کرد و در مرحله اول امر حیاتی ملی کردن صنعت نفت و قطع نفوذ و مدخله بیگانگان در امور کشور را وجهه همت خود قرار داد و علی رغم سرسختی سیاست تمام استعماری انگلستان در حمایت از دستگاه ارتجاعی هیئت حاکمه زورگو و کجتابی های فرصت طلبانه حزب سابق توده اراد خود را برای استقرار حاکمیت ملی و استیفای حقوق خود از منابع اقتصاد و کشور منصفه ظهوررسانید و در موقعیکه سیاست استعماری خارجی و عمل هیئت حاکمه برای سرکوبی نهضت پر شور ملی خواستند حکومت قوام را بجای حکومت ملی دکتر محمد مصدق برکسی اقتدار نشانند و کشتیان را سیاستی دگر آرند و بالاخره مردم را از دخالته در سرنوشت خود بازدارند هیچان ملی بمنتهای در رسید و قیام روز پرافتخار سی تیر که هیئت حاکمه تصور شرانمیکرد صورت گرفت . خیابانها و میدانهای تهران و سایر شهر ستانها از مردم خشمگین موجیزد مشت ها اگره شده و سینه ها در مقابل سرنیزه ها و لوله های آتشفشان مسلسل ها و تانکها و زره پوشها سپر گردید و دیگریم جان و ترس از مرگ در دل مردم گذر گاهی نداشت و قشر های فشرده طبقات مختلف ملت در مقابل نیروهای مجهز ارتش و پلیس سد غیرقابل نفوذ بوجود آورد و راه را بر متجاوزان بحقوق مردم بستند - قهرمانان قیام با قیافه های مصمم یکی پس از دیگری در برابر شلیک گلوله مسلسل ها از جای خود نهال آزاد ای بر آبیاری میکردند و بی درنگ جای آنان را مبارزان دیگری پرکردند و با استقامت به پیشروی صفوف آزادگان حق طلب ادامه میدادند . سیل خون شهیدان که در راه حق و آزادی جاری شده بود لحظه بلحظه هیچان و شور قیام کنندگان را بیشتر میکرد تا آنجا که بالاخره افسران و سربازان از شلیک بسوی هموطنان و برادران آزاد یخواه خود دست کشیدند و استعمار را استبداد شکست خورد و خواسته ملت تسلیم شد و بار دیگر حکومت ملی تن در داد - بطور خلاصه این بود چگونگی رستاخیز ملی و قیام پر شور سی تیر و علل و منشأ آن - فرد ای روز قیام یا روز پیروزی ملت د لغدی گائی مانند عینکچی ها با غرور و سرافرازی از اینکه در پیروزی ملت و استقرار حکومت قانونی قربانیانی داده اند جنازه های عزیزان خود را تشییع کردند - مردم ، همان مردمی که روز پیش از فرط هیچان و شور سرازمانی شناختند خود بخود بار امشرو انضباط گرائیدند و چون ماموران انتظامی بسبب هیچان انبوه جمعیت در انتظامات مدخله ای نمیکردند دستجات ملی که حفظ انتظام جمعیت را عهد در اربودند بجای پلیس یا دستور رهبران ملی تا لغاد هوضع بصورت عادی در برقراری نظم و انضباط شهر صمیمانه اقدام کرده و بخوبی از عهد این وظیفه که در رفع اضطراب موثر بود برآمدند - چون مردم به هدف اساسی خود رسیدند حتی د لغدی گائی که عزیزان خود را از دست داده بودند بی کار خود رفتند و بار دیگر واقع بینی و حسن انضباط و اشتراک و همفکری خود را در باب آزاد یخواهی و صلح جوئی و استقلال طلبی بعالمیان مدلل ساختند و باین ترتیب اصالت قیام سی تیر همگی را تحت تأثیر قرار داد تا آنجا که مجلسین شورای ملی و سنا که جمعی از نمایندگان آن از همان قماش مرتجعین و وابستگان هیئت حاکمه استند اد طلب بودند و بعضی دیگر منافقانه در صفوف ملت جا گرفته بودند با تفاق آرا با تصویب قانونی قیام سی تیر را

((قیام مقدس ملی)) شناخته و شهید ای آنروز را ((شهید ملی)) نامیدند و این قانون بصفحه مقام سلطنت رسید و فرمان اجرای آن خطاب بدولت صادر گردید و هنوز هم بقوت قانونی خود باقی است. با این وصف متاسفانه هشت سال است که یاد کردن خاطره سی تیر و احترام گذاشتن بآن بزرگ هیئت حاکمه عملاً گناهی بزرگ شناخته میشود. شاهد بارز این حقیقت اینکه سال گذشته چند روز پیش از فرارسیدن روز سی تیر دولت تمام قوای انتظامی و ارتشی را با همه تجهیزات برای مقابله با هواخواهان جبهه ملی که قصد میتینگ و اجرای یادبود سی تیر و قیام مقدس ملی را داشتند بسیج کرد و با حال آماده باش بخیابان های تهران و شهرستانهای مهم کشید و در روزی که بموجب قانون از مقدسات ملی شناخته میشود افرادی بی دفاع جبهه ملی را که تقصیری جز قصد برگزاری مراسم آنروز را نداشتند وحشیانه مورد هجوم و تاخت تاز قرار دادند و عده بهیسماری امضوی و مجروح ساخته و قریب هزار نفر از افراد طبقات مختلف و وطنخوا و آزادی طلب را که از آنجمله سران جبهه ملی و استادان دانشگاه و دانشجویان و فرهنگیان و دانشآموزان و بازاریان و اصناف و کارگران و روشنفکران بودند توقیف و زندانی کردند و با همین یورش و بجرم همین اقدام ملی و قانونی باشکوه جبهه ملی و سازمانهای وابسته بآنرا تعطیل کردند و از فعالیت آنها که تنها نقطه اتکا و محل امید مردم ستمدیده ایران بود بشدت جلوگیری نمودند. از این پس دستگاه سانسورد ولتی که تمام جرایم تحت کنترل شدید آن قرار داد حتی از ذکر نام جبهه ملی در جرایم سخت جلوگیری کردند. عجیب تر آنکه دولت که برخلاف نصوص صریح قانون اساسی مشروطیت را تعطیل کرد و بقوانین موجود و لازم الاجرا آشکارا پشت بازده و ورزیم پلیسی و سرنیزه را جانشین آن کرد و است با کمال بی شرمی مدعی است که زمامداری او مبتنی بر اصول قانون اساسی است غافل از آنکه اگر روزی مجدداً قانون اساسی ملاک عمل قرار گیرد و قانون حکمفرما باشد باید اعمال حکومت خلافتکار بیای میز محاکمه کشیده شد و مجازات شدید تعطیل مشروطیت و قانون شکنیهای خود بر سبب هیئت حاکمه خود گامه و ولتهائی نظیر دولت کنونی مثل اینکه نمیخواهند باور کنند در نیائی که گردن کشان بمراتب قوی تر از آنها برای حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی و منصرف ساختن مردم از قیام علیه خود مجبور شده اند که تسلیم خواسته های ملت خو شوند دیگر نمیشود مردم را از خالت در سرنوشت خود محروم نگاه داشت. ایکاش آزادی کشان و قانون شکنان ایرانی سرنوشت مند رس ها و یارها را که سوئیت و نگاهشان کمتر از اولیا امور کشور است بخاطر می آورند. در روزگاری که مردم الجزایر با یک کار طولانی و مدوم بیش از یکدهم جمعیت خود را در راه تحصیل آزادی و استقلال فدای میکنند و بکشتن میدهند دیگر امکان نخواهد داشت در ایران که مردم مشروزمندی مانند سی تیر را بوجود آورده اند روش استبداد و خود سیری را ادامه دهد و بی پروا ملت را از حکومت مشروطه محروم کند. دیری است که ملت ایران میخواهد حقوق از دست رفته خود را باز ستاند و حاکم بر سرنوشت خود گردد و جبهه ملی ایران پیروی از خواسته قاطبه ملت ایران مصمم است که بار دیگر با استقرار حکومت قانونی شالوده اساسی و مستحکی برای تامین حکومت مردم بر مردم و اجرای درست قانون اساسی بریزد و از این راه عدالت اجتماعی را که متضمن رفاه و سعادت مردم محروم ایران باشد تامین کند و با اتخاذ سیاست مستقل ایرانی بر اساس حکومت ملی از عوارض خانمان برانداز و زبانی آور استبداد و استعمار و عوامل عمد بد بختی ها و سبب اصلی رواج فقر و فلاکت و بی عدالتی ها و نابسامانیها جلوگیری کند و نگذارد ناراضیهای عمومی بیش از این فزونی یابد و طبقه ناراضی و مایوس در معرض تاثیر تبلیغات افراطی چپ قرار گیرد و بروح ملت ملی که ضامن استقلال کشور است شکستی وارد کند که تدارک جبران آن ممکن نباشد. اکنون وقت آنست که مردم ایران از هر دست و طبقه ای کشاورز و صنعتگر - کارگر و کارفرما - دانشجو و استاد دانشگاه - بازاری و اصناف - معلم و دانش آموز و بالاخره رجالی که از برکت وجود مردم و به خاطر مشروطیت صاحب همه چیز شده اند چگونگی روی کار آمدن و به نتیجه حاصل کرد ولتهائی که بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خود را بر مملکت تحمیل کرده اند و سیاستهای خارجی که برقراری چنین وضع اسف باری را بخود نسبت میدهند ببیند یسند و در یابند که چگونه غلامان جان نثار دولت نشانندگان بیمقدار یاد ستیاری مجالس بی اختیار و فرمایشی حقوق ملت را یکسره پایمال کرده و با وعده های بویج مردم را سرختم ساخته و مملکت را چنانکه دکترا مینی اعتراف کرده بود شکستگی کشیده اند و در ارائی ملت و درآمد نفت را که از دولت سر حکومت ملی دو ساله در برابر شده است از روی بی عرصگی و بی لیاقتی بیاد داده سهل است که ملیونها دلار ولیره را که بعنوان بیش قسط نفت و در واقع شوه خرابکاریهاشان بشفای سیاستهای خارجی بآنرا پرداخت شده است تلف کرده و ملیونها دلار دیگر قرض نامشروع بالا آورده اند و همه را بایک دست گرفته و با دست دیگر جیب مستشاران و مقاطعه کاران غارتگر و بی صلاحیت داخلی و خارجی ریخته اند بدون آنکه برنامه ای بدستی اجرا شده یا راهی یا بندری روی منافع واقعی ملت ایران ساخته شده باشد و در عین اینکه همیشه صحبت از این بوده است که در ظرف ده سال جمعیت این مملکت در اثر بهبود اشت عمومی و بالا رفتن سطح زندگانی و تعمیم فرهنگ چند برابر گردیده و خود مملکت نظیریکی از مترقی ترین کشورهای عصر حاضر خواهد شد بعد از نه سال فعلا جز تباهی و فساد و فقر و اضطراب و ناراحتی عمومی در کار نیست. دولت پر مدعای امینی هم که در ظرف یکسال و نیم زمامداری جز تعطیل عمدی مشروطیت و فاجعه شرم آور و تارناکیز اول بهمن ماه سال گذشته دانشگاه تهران و تعطیل دانشگاههای کشور و زندانی کردن دانشجویان و مردم آزاد یخواه و ایجاد مضیقہ برای دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای خارجی و خلاصه بریدن زبانها و شکستن قلمها و توقیف روزنامه ها بصورتی که در استبداد کبیر هم نظیرند داشته است و نیز جز سخنرانیهای دراز بی سوته و ادعای اصلاحات و خلافتکاریهای آشکار و وعده های بویج و تعدیل ساختگی بودجه کشور با تقلیل بودجه بیمارستانها و دانشگاهها و مصرف رساندن اعتبارات تولیدی و عمرانی برای جبران کسر بودجه در کارنامه اش مطلب قابل ذکر دیگری نیست با حال تزلزل و در عین حال پافشاری در تعطیل عمدی مشروطیت و انکار لزوم انتخابات آزاد بسمیرد و برای آنکه مدت بیشتری بر سر کار بماند از روی کسوت نظری و خود خواهی حاضر است که کشور را بکلی بسراشیبی سقوط و تباهی بکشانند.

وقت آنست که ملت ستمدیده ایران شورو سرافرازی خود را در دوران سی تیر ۱۳۳۱ و نظم اقتصادی و موفقیت در سیاست خارجی را که با وجود تمام مشکلات سیاسی و مضیقہ های اقتصادی در ظرف دو سال حکومت ملی دکتر مصدق نصیبش شده بود بخاطر آورده و بعد از نه سال سکوت و انتظار و امیدواری سرافکنندگی و ورشکستگی عمومی و یاس و ناراحتی امروز خود را با آن روزگار مقایسه کند تا بار دیگر بر او روشن و مدلل شود که برای نجات از بد بختیها راهی جز عملی شدن هدف جبهه ملی یعنی استقرار حکومت قانونی بر بنیاد نهضت و قیام مقدس روز سی تیر ۱۳۳۱ نیست.

زنده باد خاطره سی تیر - پیروز باد جبهه ملی ایران

هیئت اجرائی جبهه ملی ایران

بیستم تیرماه ۱۳۴۱